

نویسنده: رسول پویان

ناشر: تارنمای خراسان زمین

۱۰ عقرب (آبان) ۱۳۹۲

تصویر عینی از شهر کابل

(سالیان ۱۳۸۴، ۸۵ و ۸۷)

بخش نخست

در این ایام در شهر کابل بسیار قدم زدم و از گوشه و کنار، جاده و سرک و کوچه و پسکوچه‌های آن دیدن کردم و عکس‌های زیادی گرفتم. در این جا به شکل بسیار فشرده شمیی از آن را به روی سیمین اوراق کاغذ می‌ریزم تا روزی و روزگاری به عنوان برگ‌هایی از تاریخ این کهن سرزمین هموطنان را به کار آید.

نگاهی به شهرکابل

کابل در گذر تاریخ: از مطالعه تاریخ برمی‌آید که شهرکابل بسی کهن و قدیمی است. از روزگاران پیش از اسلام و بعد از آن قصه‌های زیادی در دل دارد. باشندگان این دیار باستانی از فرهنگ و مدنیت زرتشتی، یونانی، کوشانی، بودایی‌های هند و خراسانی بهره‌مند شدند. سلسله کابلشاهان و یورش اعراب را امتحان کردند. از آیین اسلام و انوار کلام حق مستفید شدند. از فرهنگ و مدنیت بابریان (خاصه ظهیرالدین محمد بابر که در سنه ۱۵۰۱ میلادی کابل را تصرف کرد و ۲۱ سال در آبادی آن کوشید) بهره‌ها بردند و آن را بسی نکو با ارزش‌های مدنیت تاریخی خود ممزوج ساختند. حالا کابل و کابلیان با کوله بار وزین فرهنگ و مدنیت ریشه‌دار خودی، با فرهنگ مختلط شرقی و غربی روبه رو شده‌اند و دوران بازسازی و احیای مجدد را از سر می‌گذرانند.

شهر قدیم و جدید کابل: تا پیش از فروپاشی حصار قدیم کابل و گسترش نواحی جدید، شهر کابل به همان شهر کهنه محدود بود. این شهر قدیم در آغوش سلسله کوه‌های شیردروازه و آسمایی در دولب رودبار کابل مثلی را تشکیل می‌داد که رأس آن در تنگی نوآباد کنونی به جانب غرب (یعنی محل به هم نزدیک شدن دوسلسله کوه مزبور) قرار داشت. به دور این شهر کهن دیوار ستبری کشیده شده بود که به قلعه شاهی و دژ استوار نظامی بالاحصار پیوند می‌شد.

کابل جدید بسیار بزرگ‌تر و گشادتر از پیشین است؛ اما شهر به گونه غیرمنظم، غیرفنی و به دون نقشه شهرسازی بنا شده است. مردم به سبب بی‌توجهی دولت‌های وقت و نبود پلان منظم شهری (خاصه در طول جنگ‌ها و بحران‌های پیاپی اخیر) به دلخواه خود دست به آبادی و ساختمان سازی زده‌اند. این جریان تاکنون به پایان نرسیده

است.

در زمان کنونی شهر کهنه در جنوب افتاده است. نما و ریخت تاریخی آن در اثر غفلت دولت‌های وقت و پلان‌های ناشیانه تاحدود زیادی به هم ریخته است. از گذرهای شهر کهنه مناطق فرسوده، فقیرنشین و نیمه ویرانی به یادگار مانده که بقایای آن هم در حال ویرانی است. هیچ دلی برای حفظ و نگهداری میراث‌های تاریخی نمی‌تپد.

نواحی عیان نشین و گران قیمت بیشتر در شمال شهر دامن گسترده اند، مانند: شهرنو، شیرپور، وزیراکبرخان، کارته ولی، حالا خیرخانه، قلعه فتح الله، تایمی و کلوله پشته هم گسترش یابیده و بیشتر نشیمنگاه طبقه متوسط می‌باشد. در غرب، جنوب غرب و شمال غرب نیز نواحی زیادی توسعه یافته است. نوآباد، ده مزنگ، کارته 3 و 4، دشت برچی، کارته سخی، جمال مینه، افشار، غرقه، پغمان، کارته پروان در شمال غرب. همچنان مکرویان‌ها، ده بوری و بی بی مهرو نیز جایگاه تمرکز نفوس می‌باشند.

نواحی کنونی شهر کابل گنجایش نفوس حال و آینده را ندارند. در شمال کابل طرح شهرجدیدی برای 3 میلیون نفر ریخته شده است. ساحه کلی این پروژه انکشافی مناطقی در شمال شرق میدان هوایی بین‌المللی کابل، حاکم‌نشین(ولسوالی) دهسبز و قریه‌هایی از حاکم‌نشینان(ولسوالی‌های) شکرده، میربچه کوت، قره باغ، کلکان و باریک آب را دربر می‌گیرد. مساحت کلی شهرجدید کابل 740 کیلومتر مربع (370000 جریب) و ساحه مساعد برای انکشاف شهری 438 کیلومترمربع (2190000 جریب) در نظر گرفته شده است. امید است این شهر جدید مسکن و ماوای خوبی برای نفوس رو به افزایش پایتخت باشد؛ اما با وجود ناامنی، فساد اداری و بی‌کفایتی دولت امید چندان به آینده نیست و مردم بسی دل‌پریشانند.

همچنان حاکم نشینان(ولسوالی‌ها، شهرستان‌ها) پغمان در غرب کابل، چهارآسیاب در جنوب، ماسائی در جنوب شرق، بگرامی و سروبی در شرق، خاک جبار در جنوب شرق، ده سبز، شکرده، میربچه کوت، کلکان، قره باغ، استالیف و گلدره در شمال از مربوطات کابل می‌باشند.

ساختمان نگارستان



سیری در بعضی حصص شهر کابل: روز جمعه 29 فیبروری 2005 میلادی بود که از مسیر ده افغانان به جانب جوی شیر و نوآباد به قدم زدن آغازیدم. نخست ساختمان نگارستان کابل را دیدم و سپس از مسجد جامع حضرت نبی که در سال 1376 خورشیدی ساخته شده است عکس یادگاری گرفتم. بعد از جوی شیر (که در ساحت آن زیارتی وجود دارد) منطقه نقاشی می‌آید. گویند که در روزگار پیشین در این ساحت گدام‌های دولتی بوده است.

مسجد نبوی



نقاش



در مسیر ده افغانان، جوی شیر، نقاشی، نوآباد، ده مزنگ تا کارته سخی، کارته مأمورین و کارته پروان در غرب و شمال غرب در بغل مال و روی کوهپایه‌ها مردم برای زندگی فقیرانه، خانه ساخته اند. در جانب جنوب غرب از حصه پل آرتل و دیوار قدیم شهر کهن کابل تا بغل و پشت باغ بابر نیز خانه‌های مردم کم درآمد کابلی بر کمر و فراز کوهپایه‌ها به چشم می‌خورند. مردم تهی‌دست کابل توان مالی اعمار منازل در مناطق هموار را ندارند. از مجبوری در ارتفاعات بلند کوه‌ها بالا رفته اند تا با زن، اولاد و مادر و پدر پیر سرپناهی بیابند. رسانیدن آب و مواد غذایی در بالای کوه بسیار دشوار می‌باشد. فراز و فرود آمدن برای اطفال و بزرگ سالان کار آسانی است.

نوآباد



باغ نوروز



در حصه نوآباد، وادی کابل بسیار تنگ می‌شود. جاده‌یی از دامن تنگ کوه آسمایی در نوآباد و باغ نوروز می‌گذرد و سرکی از کنار کوه شیردروازه در قسمت یخدان و کنار پل آرتل که در بین کوه و دریای کابل افتاده است، عبور می‌کند. باغ نوروز و دریای کابل در آغوش این دوسلسله کوه آسمایی و شیردروازه غنوده اند. باغ نوروز (یا پارک نوروز) در سال 1382 خورشیدی آباد شده است. کمی بالاترک، (در سمت چپ) باغ وحش موقعیت دارد و در امتداد سرک نوآباد میدان ده مزنگ جلب توجه می‌کند. زندان هراس‌انگیز ده مزنگ در عهد پادشاهی ظاهرشاه، جمهوری داوودخان و روزهای آغازین حکومت نورمحمد ترکی در این منطقه بود. سپس زندان پلچرخ جای آن را گرفت. هراندازه که جلو می‌رویم وادی کابل گشاد تر می‌شود و حصص کارته 3، 4، کارته سخی، جمال مینه، افشار، غرقه، پغمان، کوته سنگی، کمپنی، دشت برچی، دارالامان و غیره دامن می‌گسترانند.

مناره بی در جوار باغ وحش غرب کابل



کوچه مندوی

یک سر کوچه مندوی در لب دریای کابل و پل باغ عمومی قرار دارد و سر دیگر آن به جاده میوند می‌پیوندد. در مسیر بازار اصلی، کوچه‌های دیگری نیز امتداد دارند که به محلات و مناطق قدیمی منتهی می‌شوند. در این بازار سنتی، مندوی‌های حبوبات و مواد خوراکی، میوه خشک، آجیل باب، ادویه دیگ، میوه، مارکت‌های پوشاک زنانه، مردانه و بچه گانه، هتل و رستوران، کافه و سماواری، عطاری‌های هندوهای افغانستان و غیره جا دارند. بازار مذکور همراه شلوغ و پرازدحام است. بیشتر عمده فروشی‌ها در این بازار مکان گرفته اند. دکان‌های عمده و پرچونفروشی و بساط‌های امتعه ارزان نیز فراوان است. دوکانداران شهر، تاجران خرده پای ولایات، مردم فقیر و طبقه متوسط کابل مشتریان این بازار می‌باشند.



ادامه دارد